وقتی جیرانی بیماری آقای بازیگر را لو داد!

ناگفته‌های ابوالفضل پورعرب درباره دو فیلم «عروس» و «روز واقعه»

■ موزه سینمای ایران در سلسله گفتگوهای تاریخ شفاهی خود، این بار سراغ ابوالفضل پورعرب رفته است.

گروه سینما و تلویزیون– موزه سینمای ایران در سلسله گفتگوهای تاریخ شفاهی خود به مناسبت سالروز تولد ابوالفضل پورعرب با این بازیگر گفتگو کرده است.

ابوالفضل پورعرب با بیان اینکه بخش عمده‌ای از عمرش در سینما گذشته است، گفت: سر پل جوادیه یک سینما وجود داشت که پدرم با صاحب سینما دوست بود و ما به صورت رایگان فیلم‌ها را در آنجا می‌دیدیم.

وی با اشاره به دعوت از او برای حضور در فیلم «روز واقعه» افزود: برای ایفای نقش در فیلم «روز واقعه» از من دعوت کردند، از آن‌ها سوال کردم چه کسی قرار بود نقش مورد نظر را ایفا کند و گفتند خسرو شجاع زاده که بیست دقیقه از این فیلم هم ساخته شده بود و به دلایلی او نتوانسته بود برای ادامه‌اش حضور داشته باشد.

پورعرب خاطرنشان کرد: مصطفی طاهری و محمدرضا شریفی نیا برای حضورم در این فیلم زنگ زده بودند و من خوشحال شدم. نزد خسرو شجاع زاده رفتم تا از او اجازه بگیرم، چون در سال ۶۰ هر دو کارمند تلویزیون بودم و او در پاسخ به من گفت برای تو خوب است که این نقش را بازی کنی و من از لحن صحبت او خیلی ناراحت شدم و عذرخواهی کردم و از حضور در این فیلم انصراف دادم.

پورعرب با اشاره به فیلم «عروس» نیز گفت: دفتر مهاب فیلم در فیشرآباد بود از آنجا با بهروز افخمی تا خیابان آزادی و از آنجا تا خیابان سئول که خانه او بود پیاده رفتیم و او درباره نقش برای من توضیح داد. دو ماه گذشت و افخمی به من گفت اگر تا فردا که می‌خواهم فیلم را کلید بزنم نتوانی نقش را بازی کنی فرد دیگری را جایت می‌گذارم. تا نیمه‌های شب درباره نقش فکر کردم و بالاخره توانستم ساعت سه و نیم نیمه شب به نقش مورد نظر او برسم و فردای آن روز قرارداد فیلم عروس را بستم.

به اعتقاد من فیلم‌های حسین فرحبخش تجاری نبود، فیلم بود، حادثه مردم بود که من بازی کردم و به هیچ وجه نگاهم این نبود که وارد سینمای تجاری شوم. اگر فیلم‌های او فروش خوبی داشت فیلم‌هایی مانند عروس، آواز تهران، دو روی سکه و ... هم فروش خوبی داشتند و نمی‌توان گفت این فیلم‌ها، فیلم‌های تجاری بودند ضمن اینکه من هم نمی‌خواستم وارد سینمای تجاری شوم.

وی ادامه داد: یادم می‌آید سکانس‌هایی که در فیلم سینمایی عروس با نیکی کریمی در ماشین بازی داشتیم، یک نفر باید در صندلی عقب ماشین حضور می‌داشت.

پورعرب در ادامه بیان داشت: آداپته شدن من با این فضا، باور این سینما و تئاتر خیلی سخت بود. یک استاد سخت گیر به نام محمود استادمحمد داشتم که به من می‌گفت «سینما را به خاطر علاقه‌ات کار کن، اما تئاتر را برای تجربه بازی انتخاب کن، زیرا تئاتر خانه تو است» و من هم ارتباطم را با بازیگران و دوستان تئاتر حفظ می‌کردم.

وی با بیان اینکه آداپته شدن من با سینما یعنی دورشدن از تئاتر، گفت: در سال‌هایی دائم سر بازی در فیلم‌های سینمایی بودم به همین دلیل ارتباطم با تئاتر کمتر شده بود و این موضوع به شدت اذیتم می‌کرد. ضمن اینکه ما معلم ارتباط نداشتیم که به ما بگوید در شرایط متفاوت باید چگونه رفتار کنیم و این‌ها همه تجربیاتی بود که ما باید در کار کسب می‌کردیم.

پورعرب ادامه داد: به اعتقاد من فیلم‌های حسین فرحبخش تجاری نبود، فیلم بود، حادثه مردم بود که من بازی کردم و به هیچ وجه نگاهم این نبود که وارد سینمای تجاری شوم. اگر فیلم‌های او فروش خوبی داشت فیلم‌هایی مانند عروس، آواز تهران، دو روی سکه و ... هم فروش خوبی داشتند و نمی‌توان گفت این فیلم‌ها، فیلم‌های تجاری بودند ضمن اینکه من هم نمی‌خواستم وارد سینمای تجاری شوم.

وی با بیان اینکه آشنایی‌ها و دوستی‌ها موجب می‌شد که به خیلی از کارگردان‌ها نتوانم نه بگویم، گفت: من و جمشید هاشم پور سالی ۷ فیلم بازی می‌کردیم که بسیار سخت بود. قصه‌ها را می‌خواندم و خوشم می‌آمد و بحث مالی هم خیلی برایم اهمیت نداشت. درواقع در مسیر سینما قرار داشتم و دوست داشتم در سینمایی حضور داشته باشم که با روحیات مردم سازگارتر باشد و امروز هم برای پذیرفتن نقش‌ها به این موضوع اهمیت می‌دهم.

پورعرب خاطرنشان کرد: چند سال بعد از همکاری با افخمی در فیلم عروس می‌خواستم خانه بخرم. از بهروز افخمی ۸۰۰ هزار تومان قرض گرفتم و او محبت کرد و این پول را به من داد و در تاریخی که مشخص کرده بودیم، به او برگرداندم.

پورعرب با بیان اینکه اصولاً در سینما فعالیت و کمتر در تلویزیون حضور دارد، افزود: در سریال‌ها خیلی حضور پررنگی نداشتم. یادم می‌آید برای سریال «تنهاترین سردار» درباره زندگی، امام حسن (ع) دعوت شدم که به نوعی نذری بود که باید ادا می‌کردم و آنرا خیلی دوست داشتم. در مجموع تعداد سریال‌های تلویزیونی ام زیاد نبوده است.

وی یادآور شد: بسیاری از آثار را بازی نکردم، اما فیلم‌ها و سریال‌هایی که ایفای نقش کردم را دوست داشتم و پای دوست داشتنم هم ایستاده‌ام یعنی حتی اگر هم بد بوده و یا فروش خوبی نداشته، من نقشم را دوست داشته ام.

پورعرب درباره بیماری‌اش توضیح داد: یک سریالی با سعید و حمید نعمت الله کار می‌کردم یک روز افسانه بایگان به من گفت چهره‌ات عوض شده است و همان جا یک دکتر برای معاینه من آوردند. ساعت ۱۰ شب بود که من را به بیمارستان بهمن بردند و همان شب بستری شدم و تشخیصشان این بود که سرطان دارم. در ابتدا خودم هم باور نمی‌کردم و مجبور شدم کار را رها کنم.

وی با بیان اینکه پروسه بیماری‌اش ۵ سال طول کشید، گفت: دیگر به کار در سینما فکر نمی‌کردم، زیرا بیماری‌ام سرطان و آخرش مرگ بودم همه تلاشم این بود که مادرم متوجه بیماری‌ام نشود تا اینکه فریدون جیرانی در برنامه سینمایی که شب‌ها اجرا می‌کرد گفت برای ابوالفضل پورعرب که در بستر بیماری است، دعا کنید و مادرم که برنامه‌های سینمایی را دنبال می‌کرد، متوجه شد.

پورعرب ادامه داد: در آن روزها مردم زیادی به بیمارستان برای دیدن من می‌آمدند، اما نمی‌توانستند داخل بیایند، زیرا بیمارستان اجازه نمی‌داد و پسرم را می‌فرستادم تا از مردم تشکر و عذرخواهی کند. توجه می‌کردم که چه کسانی برای عیادت من می‌آیند تا اینکه محمود احمدی نژاد (رئیس جمهور وقت) برای عیادتم آمد و یادم می‌آید گفتم هیچ فردی نیامد تنها رئیس جمهور آمد و ضرغامی نیامد و این جمله من تیتر شده بود البته بعدا با آقای ضرغامی صحبت کردم و دلخوری‌ها برطرف شد.

وی ادامه داد: در همان زمان از شیراز هم برای بیماری کبدم به بیمارستان آمده بودند و اینکه هر دو بیماری‌ام باهم بخواهند عمل شود سخت بود. تا اینکه عکس گرفتند و رادیولوژی انجام شد و دکتر گفت معجزه شده و کبدم دیگر مشکلی ندارد. درواقع خدا به مادرم رحم کرد که تنها بود و من برای او باقی ماندم.

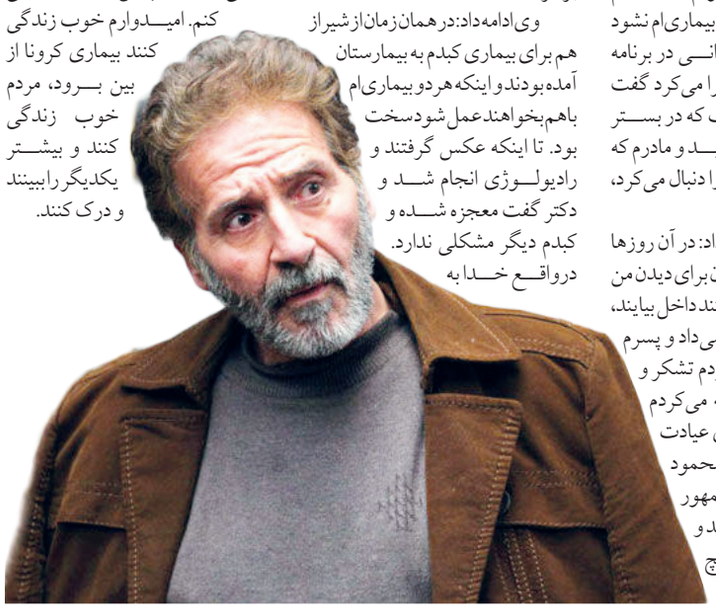

وی درباره سریال شهرزاد را دوست داشته است، گفت: شهاب حسینی و آقای فتحی را بسیار دوست دارم، اما به دلیل اینکه قصه عوض شد نتوانستم بازی کنم.

پورعرب در پایان با بیان اینکه متولد اول تیرماه سال ۱۳۴۰ است، بیان داشت: در شهرری در یک خانواده کارمندی که پدرم کارمند آموزش و پرورش و مادرم خانه دار بود، به دنیا آمدم. بعد از سال‌ها دلم می‌خواهد برای کسانی که مخاطب من هستند، آرزویی کنم. امیدوارم خوب زندگی کنند بیماری کرونا از بین برود، مردم خوب زندگی کنند و بیشتر یکدیگر را ببینند و درک کنند.

فیلم‌هایی مرموز که بازیگران خود را هم گیج کردند!

گروه سینما و تلویزیون–گاهی داستان فیلم‌ها آنقدر مبهم است که پایان آن حتی برای بازیگران مشخص نیست.

هیچ روش صحیحی برای تفسیر پایان یک فیلم وجود ندارد، اما این موضوع مانع تلاش مردم نمی‌شود. بینندگان می‌توانند از طریق مصاحبه، تفسیر و اطلاعات پشت صحنه، حدس بزنند که سازندگان فیلم برای پایان فیلم چه در نظر گرفته اند اما قطعا از این روش، پاسخ درست را دریافت نخواهند کرد. هنر مسئله ریاضی نیست. شما نمی‌توانید آن را مانند یک معادله حل کنید و پاسخ مشخصی به دست آورید. علاوه بر این، گاهی اوقات خود هنرمندان نیز هنری که به وجود آورده اند را کاملاً درک نمی‌کنند. شاید این یک نشانه از استعداد واقعی بازیگری است که برخی بازیگران در حالی که خود پایان فیلم را درک نکرده اند، نقش آفرینی فراموش نشدنی را ارائه دهند.

در اینجا چند تن از این بازیگران را معرفی می‌کنیم:

لورا هارینگ – فیلم جاده مالهالند

مسلماً هیچ فیلمساز مدرنی وجود ندارد که به اندازه دیوید لینچ، تماشاگران، منتقدان و حتی بازیگران خودش را گیج کند. فیلم‌های سورئال و آمریکایی ساخته شده این کارگردان از کلیشه‌ها سرپیچی کرده و حتی عقاید متعارف درباره فیلم سازی را نادیده می‌گیرند.

فیلم جاده مالهالند یکی از بی نقص‌ترین و گیج کننده‌ترین فیلم‌های لینچ است. برخی از سردرگمی‌ها از آنجا ناشی می‌شود که این پروژه قبل از تبدیل شدن به یکی از بهترین فیلم‌های قرن ۲۱، به عنوان پخش آزمایشی آغاز شده بود. در حالی که طرفداران هنوز در تلاشند بفهمند معنای عناصر فیلم چیست، به نظر می‌رسد لورا هارینگ، بازیگر نقش ریتا کامیلا رودز در فیلم، از معنای فیلم راضی است. او به ایندیپندنت گفته است که فیلم جاده مالهالند احساس خواندن کتاب را به بیننده القا می‌کند و در حالی که همچنان از فیلم احساس رضایت می‌کنید، سوالاتی را برای شما بر جای می‌گذارد.

شان پن– فیلم درخت زندگی

شان پن نه تنها پایان فیلم درخت زندگی را نمی‌فهمد، بلکه حتی شیوه روایت داستان را نیز خیلی دوست ندارد. همانطور که توسط گاردین گزارش شده است، پن گفته است: «روایت روشن‌تر و متعارف‌تر به این فیلم کمک می‌کرد؛ بدون اینکه از زیبایی یا تأثیر آن بکاهد» پن ادامه داد: صادقانه بگویم، من هنوز هم سعی می‌کنم بفهمم در آن فیلم چه کار می‌کنم. ترنس مالک خودش هرگز نتوانست آن را به روشنی برای من توضیح دهد. در حالی که بسیاری از منتقدان و مخاطبان ممکن است اتفاق نظر داشته باشند که فیلم درخت زندگی یکی از فیلم‌های گیج کننده دهه اخیر است، اما ناتوانی پن در تشخیص اینکه در این فیلم چه کاری انجام می‌دهد کمی نگران کننده است. از این گذشته، پن به معنای واقعی کلمه نقش شخصیت اصلی را بازی می‌کند. مسلماً، او فقط حدود ده دقیقه در فیلم ظاهر می‌شود، اما او در حال بازی در نقش بزرگسال بچه‌ای است که ما در کل فیلم او را همراهی می‌کردیم؛ بنابراین به نظر می‌رسد که پن باید بیشتر از مخاطبان تلاش کرده باشد تا بفهمد پایان فیلم چه اتفاقی می‌افتد.

کالین فارل–فیلم خرچنگ

کالین فارل مطمئناً با فیلم‌هایی با پایان مبهم غریبه نیست. اما یورگوس لانتیموس، فیلمساز یونانی، قطعاً با فیلم خرچنگ، او را در مبهم‌ترین فیلم شرکت داد. این فیلم داستان مردی در آینده‌ی دیستوپیا (ویران شهر) را بیان می‌کند. در این فیلم به افراد مجرد ۴۵ روز مهلت داده می‌شود تا قبل از اینکه به حیوان تبدیل شوند، شریک زندگی خود را پیدا کنند. پایان فیلم در مورد اینکه او در نهایت به چه نتیجه‌ای می‌رسد، واقعا مبهم است. فیلم در حالی پایان می‌یابد که دیوید برای ارتباط عاطفی با شریک زندگی خود که به تازگی نابینا شده، در فکر نابینایی خود است. در مورد اینکه آیا دیوید واقعاً این کار را انجام می‌دهد یا نه، فارل گفته است که هیچ تصوری ندارد. وی توضیح داد: «من نمی‌توانم به شما بگویم.»

کالین فارل گفته است: «حتی نویسنده و کارگردان نمی‌تواند به شما بگوید. این موضوع به این دلیل نیست که ما جواب را پنهان نگه می‌داریم، بلکه به این دلیل است که واقعا پاسخی وجود ندارد.»

لئوناردو دی کاپریو – فیلم تلقین

فیلم تلقین یک آزمایش جسورانه در فیلمسازی از کارگردان آن کریستوفر نولان بود. او با موفقیت در فیلم «بتمن آغاز می‌کند» و «شوالیه تاریکی»، بودجه ۱۶۰ میلیون دلاری این فیلم را تأمین کرد. نولان در این فیلم، نظر منتقدان و تماشاگران را به خود جلب کرد. جالب‌تر اینکه فیلم تلقین، این ستایش‌ها را بعد از اینکه تعداد قابل توجهی از مردم از پایان داستان گیج شده اند، دریافت کرده است. دام کاب (لئوناردو دی کاپریو) دزد ماهر در استخراج اسرار ارزشمند مورد نیاز سازمان‌های جاسوسی و شرکت‌های تجاری و چندملیتی است. توانایی او در این است که هنگامی که دیگران در خواب هستند، اسرار کلیدی آنان را از درون رویاهایشان ربوده و در دنیای بیرون از خواب، این اسرار را به خریداران متقاضی عرضه می‌کند. او با گروه چیره‌دست خود سعی در کشف و ربودن اطلاعات دارند. در انتهای فیلم، که کاب به دیدار بچه‌هایش می‌رود، شک دارد در دنیای واقعی است. اما هنگامی که فرزندانش را می‌بیند، به سمت آن‌ها می‌رود. اما در واقع معلوم نمی‌شود که او در رؤیا به سمت فرزندانش می‌رود یا در واقعیت. این فیلم هرگز به طور قطعی پاسخ نمی‌دهد که کاب در پایان خواب می‌بیند یا نه، و به نظر می‌رسد حتی دی کاپریو هم ایده‌ای ندارد. او بیان کرده است: «وقتی صحبت از کریس نولان و ذهن او شد، همه دائما در تلاش بودند این معما را حل کنند.» حتی لئوناردو دی کاپریو هنوز مطمئن نیست که در پایان فیلم تلقین خواب می‌بیند یا نه.

تاریخ برگزاری جوایز بفتا ۲۰۲۲ اعلام شد

گروه سینما و تلویزیون –آکادمی هنرهای فیلم و تلویزیون بریتانیا تاریخ مراسم اهدای جوایز سینمایی در سال ۲۰۲۲ را اعلام کرد.

این رویداد که در انگلیس پخش خواهد شد، روز یکشنبه ۱۳ مارس ۲۰۲۲ برگزار می‌شود و با این تصمیم بعد از تغییر تاریخ دوره ۲۰۲۱ به دلیل شیوع ویروس کرونا، اکنون به تاریخ همیشگی و سابق خود بازگشته است.

به طور سنتی بین برگزاری جوایز بفتا و جوایز آکادمی اسکار فاصله‌ای دو هفته‌ای وجود دارد که در تاریخ اعلامی جدید هم این موضوع رعایت شده است. آکادمی اسکار در تاریخ ۲۷ مارس برگزار خواهد شد. اگرچه هنوز مکانی برای برگزاری این رویداد انتخاب نشده است، اما بفتا در سال‌های اخیر در رویال آلبرت هال معروف لندن برگزار شده و انتظار می‌رود برای رویداد پیش رو هم همین مکان انتخاب شود. جوایز فیلم بفتا ۲۰۲۱ که دوره هفتاد و چهارم این رویداد بود، جایزه بهترین کارگردانی را به کلویی ژائو برای فیلم «عشایر» داد و فرانسیس مک دورمند و آنتونی هاپکینز جوایز بازیگران نقش اصلی زن و مرد را دریافت کردند. یو جونگ یون و دنیل کالویا هم در بخش جوایز مکمل بازیگری برگزیده شدند. در بخش‌های دیگر نیز می‌توان گفت برگزیدگان بفتا، با برگزیدگان جوایز اسکار یکسان بودند. جوایز بفتا ۲۰۲۱ اولین دوره‌ای بود که بعد از نقدهای گسترده با اعمال ۱۲۰ تغییر در قانون بخش‌های رأی گیری، اعضا و کمپین‌ها برگزار شد. بفتا همچنین اعلام کرد که جزئیات واجد شرایط شدن فیلم‌ها در جوایز و همینطور تایم لاین دوره ۲۰۲۲ را در آینده منتشر خواهد کرد. گفتنی است؛ تاریخ برگزاری بیست و هشتمین دوره جوایز سالانه انجمن بازیگران آمریکا هم تغییر کرده و اکنون برای ۲۷ فوریه ۲۰۲۲ تنظیم شده است. این تاریخ در ابتدا برای اسکار ۹۴ رزرو شده بود، اما با تغییر تاریخ برگزاری جوایز آکادمی، اکنون جوایز انجمن بازیگران در این تاریخ برگزار خواهد شد.

کمپانی اسپیلبرگ با نتفلیکس شریک می‌شود

گروه سینما و تلویزیون –کمپانی امبلین استیون اسپیلبرگ با مشارکت با نتفلیکس در سال چند فیلم بلند تولید می‌کند. کمپانی امبلین استیون اسپیلبرگ با امضای قراردادی با نتفلیکس سالانه چند فیلم بلند برای اکران آنلاین تولید می‌کند. این قرارداد به نتفلیکس اجازه می‌دهد تا با یکی از مشهورترین کارگردان‌های دنیا در صنعت تولید فیلم همکاری کند و این در حالی صورت می‌گیرد که دیگر رقبا چون دیزنی پلاس، اچ‌بی‌او مکس و دیگران با ایجاد سرویس اکران آنلاین وارد گود رقابت با این کمپانی بزرگ استریمینگ شده‌اند. از این حرکت به عنوان تغییری عمده در هالیوود یاد شده و علت عمده آن هم این است که تا پیش از این اسپیلبرگ میانه خیلی خوبی با نتفلیکس و امکان تماشای آنلاین فیلم نداشت. وی سال ۲۰۱۹ از اسکار خواسته بود فیلم‌هایی را که تنها به صورت آنلاین دیده می‌شوند از واجد شرایط بودن شرکت در رقابت‌های اسکار منع کند. البته وی بعداً در مقاله‌ای برای نیویورک تایمز سعی کرد روشن کند که بحث وی بازداشتن نتفلیکس نیست و تاکید وی بر تجربه تماشای فیلم در سینماهاست، هر چند معتقد است مردم می‌توانند خود تصمیم بگیرند که فیلم را در صفحه بزرگ تماشا کنند یا کوچک. با عقد این قرارداد به نظر می‌رسد امبلین ظرف چند سال حداقل سالی ۲ فیلم برای نتفلیکس تولید کند و حتی اسپیلبرگ کارگردانی برخی پروژه‌های نتفلیکس را بر عهده بگیرد. به نظر می‌رسد نتفلیکس تامین کننده بودجه لازم برای این تولیدات خواهد بود.

گیتی قاسمی مطرح کرد؛

کمدین‌هایی که از بازگشت به نقش‌های کمدی می‌ترسند

گروه سینما و تلویزیون– گیتی قاسمی بازیگر فصل دوم سریال تلویزیونی «زیرخاکی» درباره تجربه حضورش در این سریال و استفاده از لهجه لری برای ایفای یک نقش کمدی گفت. گیتی قاسمی بازیگر فصل دوم سریال «زیرخاکی» که به تازگی از شبکه یک پخش شد، درباره حضورش در این سریال به خبرنگار مهر گفت: در این سریال کارگردان دست روی موضوعی گذاشت که به لحاظ قصه و نوستالژی مردم دوست داشتند و برای همین مورد توجه قرار گرفت. وی ادامه داد: این پیشنهاد برای من جذاب بود و دستم برای خلاقیت و بداهه باز بود و هدایت کارگردانی هم بسیار عالی بود.

قاسمی درباره بداهه‌پردازی‌هایش در ایفای این نقش توضیح داد: ما فیلمنامه‌ای به عنوان پایه کار داشتیم و می‌دانستیم چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و بداهه‌هایی برای لهجه و اصطلاحاتی هم داشتیم و برخی اصطلاحات را هم با آقای سامان به اشتراک می‌رسیدیم. آقای سامان دست ما را باز گذاشته بود و چون من اطلاعاتی از لهجه لری داشتم که کمک کننده بود آقای سامان اجازه می‌داد از آنها استفاده کنم.

از احتمال بازخوردهای منفی نسبت به لهجه لری، نگران بودیم

وی درباره استفاده از لهجه لری که برخلاف برخی سریال‌ها بازخورد منفی نداشت، گفت: پدر و مادر من لر هستند و خودم هم در این منطقه متولد شدم و با این زبان آشنایی کامل داشتم. البته یکی از نگرانی‌های ما این بود که بازخورد منفی داشته باشد اما سعی کردیم هوشمندانه و با احترام به مردم لر کار کنیم. در همه جا باید این را رعایت کرد که با احترام و هوشمندی به قوم مورد نظر کار شود از طرفی خود اقوام هم باید این پذیرش را داشته باشند که لهجه آنها می‌تواند شخصیت منفی و مثبت داشته باشد. البته فکر می‌کنم در کشور ما بیشتر باید جانب احتیاط را گرفت و مردم ما حساس‌تر هستند.

بازیگر «زیرخاکی» درباره اصطلاحات لری نیز عنوان کرد: این اصطلاحات قدیمی است و توسط قدیمی‌ها استفاده می‌شود البته من آنها را می‌دانستم و از مادرم و مادربزرگم شنیده بودم. ما خواستیم با یک تیر دو نشان بزنیم هم اطلاعات بدهیم و این اصطلاحات را معرفی کنیم و هم به واسطه کاراکتر پریچهر آنها را ترجمه کنیم. قاسمی با اشاره به بازخوردها بیان کرد: مردم مرا در فضای مجازی مخاطب قرار می‌دهند و اصطلاحات لری را تشریح و تعریف می‌کنند. بارها شده است وقتی بیرون رفته‌ام مردم آنها را به کار می‌برند و با من شوخی می‌کنند.

وی اضافه کرد: لرها افراد صادق و ساده‌ای هستند، در همین مدت هم بسیاری در شبکه‌های مجازی نظر می‌دادند و می‌گفتند پرچم لرها بالا رفت. ما هم کاراکتر را یک زن باهوش گرفتیم که دایره‌المعارف لری به کار می‌برد و همین باعث اقبال مخاطب شد.

نقشم در زیرخاکی بیشتر دیده شد

قاسمی که پیش از این در سریال‌های تلویزیون از جمله «کامیون» و «رستگاران» به ایفای نقش پرداخته است درباره دیده شدنش در سریال جدید خود گفت: من در سریال‌های مختلفی بوده‌ام و قبل از «زیرخاکی» در «چک برگشتی» هم حضور پررنگ‌تری داشتم اما خدا را شکر نقشم در «زیرخاکی» خیلی بیشتر دیده شد.

وی درباره حضور در آثار ملودرام و کمدی عنوان کرد: خدا را شکر به تعادلی در بازیگری می‌رسم و یک خط در میان هم کار جدی و تلخ و هم کمدی بازی کرده‌ام. بازیگر همین را می‌خواهد که هم تراژدی و ملودرام و هم کمدی بازی کند. این تقسیم بندی بازیگر و خلاقیت او را به چالش می‌کشد. ما بازیگرانی داشته‌ایم که سال‌ها کمدی کار کرده‌اند اما بعد از حضور در ملودرام و موفقیتی که نشان داده‌اند حتی می‌ترسند به کمدی دوباره بازگردند. بازیگر اگر استعداد و توانایی داشته باشد می‌تواند در هر دو درخشان باشد. خیلی بازیگران جدی هم می‌شناسم که از کمدی می‌ترسند و نگرانند که این نقش روی آنها بماند.

وی درباره همبازی بودن با ژاله صامتی عنوان کرد: ژاله صامتی پارتنر بی نظیر و فرد بسیار باهوشی است. صحنه‌هایی که با هم داشتیم موقعیت‌های خنده داری بود و ما در پشت صحنه خیلی می‌خندیدیم و حتی نمی‌توانستیم جلوی خنده خود را بگیریم. او از بازیگرانی است که هر چه به اوج می‌رسد من بیشتر فکر می‌کنم حقش است. قاسمی درباره دیگر عوامل سریال نیز گفت: رضا نصیری نیا به عنوان تهیه کننده سعی می‌کرد همه مقدمات را فراهم کند و ما تمام تمرکز خود را فقط روی بازیگری گذاشته بودیم. آقای سامان بسیار دست شما را باز می‌گذاشت. پژمان جمشیدی هم عالی بود و ذوق او برای خوب بازی کردن باقی بازیگران را هم به وجد می‌آورد. فکر می‌کنم از خردسال تا بازیگران پیشکسوت که یکی دو سکانس در کار بیشتر نداشتند همه بی نظیر بودند.

کار در زمان کرونا استرس دارد

وی درباره سختی‌های کار در شرایط کرونا نیز توضیح داد: سرمای هوا مرا اذیت کرد چون از سرما فراری‌ام که البته آن هم به گرمی وجود تیم رفع می‌شد. کار در زمان کرونا هم استرس دارد، من چون فرزند دارم دائم نگران بودم ناقل نباشم البته سر صحنه پزشک داشتیم و همیشه همه چک می‌شدند.

بازیگر فیلم‌های «جان دار» و «متری شیش و نیم» درباره حضورش در سینما و تلویزیون و تلاشی که برای بازیگری دارد گفت: برای کارهایی که در سینما داشتم خیلی تلاش کردم و حتی فکر می‌کنم به نصف حق خود در سینما نرسیدم. خدا را شکر اگر حتی یک سکانس بازی کرده‌ام کسی نگفته است همه وجودت را نگذاشته‌ای یا بد بازی کرده‌ای. هر کاری بازی می‌کنم با خود می‌گویم این آخرین پلان توست و شاید بعد از این دیگر زنده نباشی و سرمایه من همین پلان‌هایی است که من برای آنها انرژی گذاشتم و هر یک باعث شد به آثار بعدی دعوت شوم و حتی فکر می‌کنم بعد از این هم به کارهای ارزشمند زیادی دعوت می‌شوم.

وی در پایان به دیده شدن در تلویزیون اشاره و بیان کرد: زیرخاکی اولین همکاری من با جلیل سامان بود که یک فرصت و شانس بود. سریالی که از تلویزیون پخش می‌شود نقش بسیاری در محبوبیت یک هنرمند دارد همانقدر که می‌تواند در صورت خوب نبودن نقش منفی داشته باشد و «زیرخاکی» کمک کرد مردم بیشتر مرا بشناسند.

مصاحبه «دی کاپریو» با «اسکورسیزی» و «دنیرو»

گروه سینما و تلویزیون– جشنواره فیلم ترایبکا با نمایش فیلم «گاو خشمگین» و گفتگوی ویدئویی «لئوناردو دی کاپریو» با «مارتین اسکورسیزی» و «رابرت دنیرو» به کار خود پایان داد.

بیستمین جشنواره فیلم «ترایبکا» با نمایش فیلم معروف «گاو خشمگین» و پخش مصاحبه ویدئویی از پیش ضبط شده «لئوناردو دی کاپریو» با «مارتین اسکورسیزی» و «رابرت دنیرو» کارگردان و بازیگر این فیلم جریان ساز محصول ۱۹۸۰ میلادی به کار خود پایان داد.

«مارتین اسکورسیزی» فیلم «گاو خشمگین» نتیجه همه آن چیز که دوست داشته توصیف کرد و گفت که برایش مهم نبوده چه اتفاقی برای فیلم می‌افتد و یا فیلم دیگری پس از آن خواهد ساخت یاخیر.

ایده اولیه فیلم «گاو خشمگین» بر اساس کتاب خود زندگی نامه نوشته «جیک لاموتا» شکل گرفته که در ابتدا «دنیرو» مجذوب آن می‌شود اما اسکورسیزی در ابتدا به سبب عدم علاقه به ورزش، پیچیدگی ساخت و صحنه های خونین مبارزه علاقه ای به ساخت آن نداشت اما در نهایت این فیلم در فرمت سیاه و سفید مقابل دوربین می رود. «رابرت دنیرو» در این مصاحبه به «دی کاپریو» گفت: نمی دانستیم فیلم «گاو خشمگین» چقدر خوب از کار در میآید، ما می دانستیم که فیلم خاصی است. سابقه همکاری «اسکورسیزی» و «دنیرو» به بیش از ۵۰ سال می رسد که با فیلم «خیابان های پائین شهر» آغاز شد و با «راننده تاکسی» در دهه ۱۹۷۰، «گاو خشمگین» در ۱۹۸۰ و فیلم «مرد ایرلندی» در سال ۲۰۱۹ ادامه یافت و این دو چهره سرشناس سینمایی هم اکنون نیز مشغول همکاری در فیلم «قاتلان ماه کامل» هستند که با بازی «لئوناردو دی کاپریو» نیز همراه است.
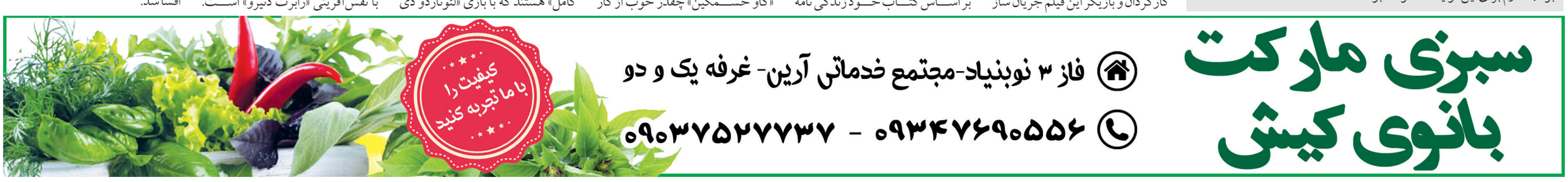
این مصاحبه در لوکیشن ساخت فیلم «قاتلان ماه کامل» در اوکلاهاما برای جشنواره فیلم ترایبکا ضبط شده بود. فیلمی «قاتلان ماه کامل» هم اکنون در مرحله فیلمبرداری قرار دارد و در آن «دی کاپریو» در نقش «ارنست برکهات» بازی می‌کند که خواهرزاده یک دامدار قدرتمند به نام «ویلیام هیل» با نقش‌آفرینی «رابرت دنیرو» است. داستان فیلم بر اساس کتاب پرفروش و غیرداستانی نوشته «دیوید گرن» شکل گرفته و درباره مجموعه قتل‌هایی است که در دهه ۱۹۲۰ میلادی در اوکلاهاما روی داد؛ زمانی که سرخپوستان منطقه اوسیج در زیرزمین‌های خود نفت کشف کردند و سپس تک به تک کشته شدند و با افزایش آمار قتل‌ها سازمان تازه‌تاسیس اف‌بی‌آی پرونده را در دست گرفت و یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های سازمان‌یافته تاریخ آمریکا افشا شد.